



ژئوپولیتیک شبه قاره هند؛ فرصت‌ها و تهدیدهای تجاری برای ایران



"Geopolitics of the Indian Subcontinent: Opportunities and Threats for Iran's Trade"

The shifting geopolitics of the Indian subcontinent and India's prominent role in strategic developments across the region and the globe underscore the significance of this area in international dynamics. Unlike geographical borders, which are fixed and stable, geopolitical spheres are constantly evolving due to changes in international relations and the competition among major powers. In this context, India, with its exceptional geographical position and expansive economic influence, has emerged as a key player in these transformations.

The Indian subcontinent, comprising countries such as Bangladesh, Bhutan, India, Maldives, Nepal, Pakistan, Sri Lanka, and Afghanistan, holds a highly sensitive and strategic geopolitical and economic position. With a population exceeding 1.4 billion and a GDP surpassing \$3.4 trillion, India stands at the core of regional developments. Despite internal challenges like social inequality, poverty, and ethnic and religious conflicts, India has strengthened its global position through astute policies and sustainable economic growth.

The geopolitical rivalry between India and China, compounded by the historical animosity between India and Pakistan, has made the Indian subcontinent one of the world's most tense and sensitive regions. China's efforts to expand its influence through large-scale infrastructure projects are met by India's strategic alliances with global powers like the United States and the Gulf Cooperation Council countries, aiming to shift the regional balance of power in its favor.

For Iran, the importance of these developments and India's role in them is significant from several perspectives. Prioritizing economic and trade cooperation with India could enhance strategic ties in energy and transportation, positioning Iran as a key partner for India in the region. Additionally, diversifying foreign relations and leveraging India as a strategic partner could help counterbalance China's growing influence, placing Iran in a more advantageous position to address regional geopolitical challenges.

In this regard, the Iranian government should focus on the development of the Chabahar port as a strategic gateway for India, capitalizing on this opportunity to attract Indian investments and strengthen its strategic position in the region. Furthermore, Iran's private sector can contribute to the country's economic development by participating in infrastructure and industrial projects with India, thereby tapping into the vast opportunities within the Indian market.



فهرست مطالب

۴	خلاصه مدیریتی.....
۵	مقدمه.....
۷	نگاهی کلی به ژئوپولیتیک شبه قاره.....
۹	مروری بر اقتصاد شبه قاره.....
۱۲	اهمیت متقابل ایران و هند.....
۱۳	ملاحظات ژئوپولیتیکی برای سیاستگذاری.....
۱۴	توصیه های سیاستی به دولت.....
۱۶	توصیه های سیاستی به بخش خصوصی.....



خلاصه مدیریتی

تغییرات ژئوپولیتیکی در شبه قاره هند و نقش برجسته هند در تحولات استراتژیک منطقه و جهان نشان دهنده اهمیت این منطقه در معادلات بین المللی است. برخلاف مرزهای جغرافیایی که ثابت و پایدار هستند، قلمروهای ژئوپولیتیکی به دلیل تغییرات در روابط بین المللی و رقابت های میان قدرت های بزرگ همواره در حال تحول اند. در این میان، هند به واسطه موقعیت جغرافیایی استثنایی و نفوذ اقتصادی گسترده، به یکی از بازیگران کلیدی این تحولات تبدیل شده است.

شبه قاره هند که شامل کشورهایی همچون بنگلادش، بوتان، هند، مالدیو، نپال، پاکستان، سریلانکا و افغانستان است، از نظر ژئوپولیتیکی و اقتصادی، جایگاهی بسیار حساس و استراتژیک دارد. هند با جمعیتی بالغ بر ۱.۴ میلیارد نفر و تولید ناخالص داخلی بیش از ۳.۴ تریلیون دلار، به عنوان محور اصلی تحولات منطقه ای شناخته می شود. علیرغم چالش های داخلی نظیر نابرابری اجتماعی، فقر و منازعات قومی و مذهبی، این کشور توانسته است با اتخاذ سیاست های هوشمندانه و توسعه اقتصادی پایدار، نقش خود را در معادلات جهانی تقویت کند.

رقابت ژئوپولیتیکی میان هند و چین که با خصومت تاریخی هند و پاکستان همراه است، شبه قاره هند را به یکی از مناطق حساس و پرتنش جهان تبدیل کرده است. چین با اجرای پروژه های عظیم زیرساختی، درصدد افزایش نفوذ خود در این منطقه است. در مقابل، هند با تقویت روابط استراتژیک با قدرت های جهانی مانند ایالات متحده و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، تلاش می کند تا موازنه قدرت را در منطقه به نفع خود تغییر دهد.

برای ایران، اهمیت این تحولات و نقش هند در آنها از چندین منظر قابل توجه است. از یک سو، اولویت بخشی به همکاری های اقتصادی و تجاری با هند می تواند به تقویت پیوندهای استراتژیک در حوزه های انرژی و حمل و نقل کمک کند و ایران را به یکی از شرکای مهم هند در منطقه تبدیل نماید. از سوی دیگر، تنوع بخشی به روابط خارجی و استفاده از هند به عنوان یک شریک استراتژیک می تواند به متعادل سازی نفوذ رو به رشد چین در منطقه کمک کند و ایران را در مواجهه با چالش های ژئوپولیتیکی منطقه، در موقعیت بهتری قرار دهد.

در این راستا، دولت ایران می بایست به توسعه بندر چابهار به عنوان دروازه ای استراتژیک برای هند توجه ویژه ای داشته باشد و از این فرصت برای جذب سرمایه گذاری های هندی و تقویت موقعیت استراتژیک خود در منطقه

بهره‌برداری کند. همچنین، بخش خصوصی ایران می‌تواند از طریق مشارکت در پروژه‌های زیرساختی و صنعتی با هند، به توسعه اقتصادی کشور کمک کند و از فرصت‌های تجاری در بازار بزرگ هند بهره‌مند شود.

مقدمه

قلمرو مناطق ژئوپولیتیکی برخلاف مناطق جغرافیایی که مشخصه ثابت و دگرگون‌ناپذیری دارند، در طول زمان و بسته به شکل‌بندی روابط میان قدرت‌های بزرگ پیوسته در حال تغییرند. در دهه‌های اخیر واژگان جدیدی مانند «خاورمیانه بزرگ» و یا «آسیای مرکزی بزرگ» به میان آمده که از تلاش ایالات متحده و قدرت‌های غربی در دادن سامانی نو به این مناطق حکایت داشته است. در حالیکه خاورمیانه یک منطقه جغرافیایی و طبیعی نیست و به منزله برسازه‌ای ملهم از نیازهای ژئوپولیتیکی چندین منطقه مجزا را درون خود جای داده، آسیای مرکزی اشاره به یک منطقه جغرافیایی طبیعی محصور میان فلات ایران در جنوب، رشته کوه‌های پامیر در شرق، دریای کاسپین در غرب و سرزمین‌های پست روسیه در شمال دارد. اما آسیای مرکزی بزرگ همانند خاورمیانه یک منطقه ژئوپولیتیکی است و علاوه بر منطقه جغرافیایی آسیای مرکزی، بخش‌هایی از ایران و قسمت‌هایی از آسیای جنوبی را نیز درون خود جای می‌دهد.

شکل ۱. موقعیت جغرافیایی شبه قاره هند





شبه قاره هند به تنهایی یک منطقه جغرافیایی و شامل بنگلادش، بوتان، هند، مالدیو، نپال، پاکستان، و سریلانکا و افغانستان است. این شبه قاره از شمال شرق با آسیای شرقی، از شمال غربی با آسیای مرکزی، از غرب با غرب آسیا و از شرق با آسیای جنوب شرقی همسایه است. به غیر از آسیای جنوب شرقی، آسیای جنوبی دریایی تنها منطقه فرعی آسیا است که تا حدی در نیمکره جنوبی قرار دارد. قلمرو اقیانوس هند بریتانیا و دو جزیره از ۲۶ جزیره مرجانی مالدیو در جنوب آسیا به طور کامل در نیمکره جنوبی قرار دارند. از نظر توپوگرافی، شبه قاره هند از جنوب به اقیانوس هند و از شمال به کوه‌های هیمالیا، قراقرام و پامیر محدود می‌شود. با این حال شبه قاره هند در معنای یک منطقه ژئوپولیتیکی بازیگرانی بیش از اعضای آن منطقه جغرافیایی دارد. چین، روسیه و ایالات متحده شناخته‌ترین این بازیگران هستند و گاهی اتحادیه اروپایی و بسته به موضوع، عربستان سعودی، قطر و ایران نیز می‌توانند بازیگرانی در سطوح گوناگون بازشناسی شوند.

قرار گرفتن شبه قاره هند در نقطه اتصال قاره‌ای با اقیانوس هند در محور شمالی- جنوبی و همچنین در نقطه اتصال اقیانوس آرام به سوی اقیانوس هند و نوار شرقی آفریقا اهمیت اجتناب ناپذیر در حمل و نقل بین‌المللی دارد. همسایگی سه قدرت اتمی هند، پاکستان و چین توأم با تاریخی از خصومت و رقابت میان هند و پاکستان از یک طرف و هند و چین از طرف دیگر، این شبه قاره را به انبار باروت هسته‌ای تبدیل کرده است. تلاش چین برای دستیابی به دریای عمان از طریق کریدور اقتصادی پاکستان تا بند گوادر همزمان با افزایش چشمگیر سرمایه‌گذاری چین برای توسعه معادن افغانستان در عمل پای چین را به شبه قاره هند باز کرده است. به همین ترتیب، چین پیش از آمریکا، اولین و مهم‌ترین شریک تجاری هند محسوب می‌شود. تاکنون هند و چین موفق شده‌اند که به رغم رقابت‌های نظامی و نگرانی‌های متقابل همچنان به همکاری‌های اقتصادی ادامه دهند. پویایی مناسبات میان چین و هند در دهه اخیر، موجب کنار رفتن سایه رقابت سنتی تر میان دهلی نو و اسلام آباد شده و شکل تازه‌ای به محیط ژئوپولیتیکی شبه قاره بخشیده است.

هند با یک میلیارد و چهارصد و هفده میلیون نفر، سه تریلیون و چهارصد و هفده میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی و بیش از ۸۰ میلیارد دلار بودجه نظامی، همچنان کانونی‌ترین کشور در شبه قاره بوده و همچنان خواهد بود. این موقعیت مرکزی از یک طرف موجب اثرگذاری نامتوازن هند بر سایر کشورهای شبه قاره هند شده و از طرف دیگر رقابت میان قدرت‌های بزرگ از جمله چین برای کشاندن این کشورهای کوچکتر به سوی خود را دامن‌زده است. هند به رغم رشد اقتصادی چشمگیر در سالیان گذشته، همچنان از فقر، کوچکی طبقه متوسط شهرنشین و نابرابری در درآمد و فرصت‌ها رنج می‌برد. منازعات قومی و مذهبی یکی از خطرات دائمی است که کانون‌های بحرانی مانند کشمیر و تبت را به جزئی از ترتیبات ژئوپولیتیکی این منطقه تبدیل کرده است. با این



حال، شبه قاره هند یکی از فرصت‌های اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه و آماده برای صادرات محصولات پایه، نیمه ساخته و کالاهای نهایی و منبعی بی پایان برای تامین نیروی انسانی ارزان برای دهه‌های آتی است.

نگاهی کلی به ژئوپولیتیک شبه قاره

جدایی پاکستان از هند در ۱۹۴۷ مهمترین عامل پویایی ژئوپولیتیکی بعد از خاتمه استعمار در این شبه قاره است. واگرایی این منطقه مماس بر خطوط تمایز قومی و مذهبی نبود و این عامل تا دهه‌های بعد به عنوان پیشران بی‌ثباتی استراتژیک در میان کشورها و صف‌بندی بین قدرت‌های بزرگ باقی ماند. ابعاد سرزمینی و جمعیتی هند و پاکستان توأم با عدم توازن منابع سرزمینی در شبه قاره، ناگزیر به این دو قدرت مسلمان و هندو که متعاقباً به تسلیحات اتمی مجهز شدند، چیرگی غیرقابل رقابتی بخشید. تنها در یک نمونه از این برتری، پاکستان و هند به تنهایی ۷۷ درصد از کل ارزش تجارت شبه قاره هند در سال ۲۰۲۳ را تشکیل می‌دهند.

در سایه نظام سیاسی پویاتر هند در مقایسه با پاکستان، همراه با منابع مادی و ثروتی ممتاز، هند جایگاهی برتر در سلسله مراتب ژئوپولیتیک شبه قاره بدست آورده و تا آینده قابل پیش‌بینی موفق به حفظ آن خواهد بود. هند مقام هفتم جهان در برخورداری از منابع سنگ آهن، مقام چهارم در ذغال سنگ، مقام ششم در لیتیوم و پنجم در بوکسیت را داراست. سرزمین‌های هند در بهره‌مندی از منابع کرومیت، گاز طبیعی و الماس نیز موقعیتی مطلوب دارد. با این وجود، علاوه بر مشکلات ناشی از نیروی انسانی ماهر، تحصیل کرده و سرمایه‌گذاری متناسب با نیازهای توسعه‌ای هند، تداوم رقابت هویتی هند و پاکستان از یک سو و چین و هند از سوی دیگر که با استعداد نامنی در افغانستان ترکیب شده، مانع از شکوفایی اقتصاد کشورهای شبه قاره شده است.

در قرن بیستم، مهم‌ترین ویژگی سیاست خارجی هند که پیشران جهان‌بینی هند به شمار می‌رفت، موضوع هویت بود و بازشناسی آن در رقابت با استعمارگران سابق از یک طرف و پاکستان نوظهور از طرف دیگر بود. پس از ۱۹۴۷ و شکل‌گیری هند جدید، این موضوع تقریباً تا پایان قرن بیستم ادامه داشت، اما امروز هند از مرحله هویت‌سازی در برابر پاکستان عبور کرده است؛ در عوض به نظر می‌رسد ظهور چین بیش از هر موضوع دیگری به دغدغه رهبران هند تبدیل شده است. چین یک تهدید تمام عیار برای هند نیست. سرمایه‌گذاری، تکنولوژی و کالاهای ارزان چینی برای هند مانند بسیاری دیگر از کشورها یک موهبت ژئواکونومیک است اما در عین حال می‌تواند زنگ‌های خطر را برای آینده رقابت‌پذیری هند به صدا درآورد. همچنین هند از قرار گرفتن در سایه اقتصاد غول آسای چین واهمه دارد. چین با تولید ناخالص داخلی شش برابر و درآمد سرانه نزدیک به دو و نیم



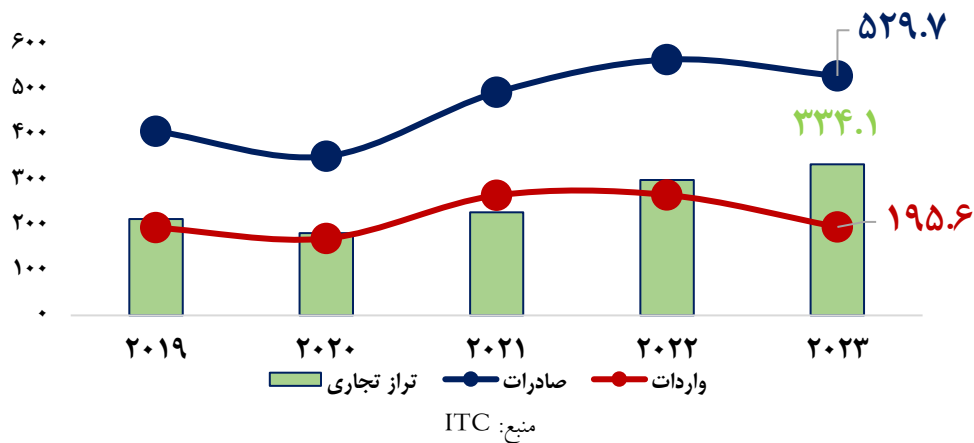
برابر هند، برتری اجتناب ناپذیری نسبت به هند دارد. دهلی نو نه تنها توسط ناوگان نیرومندتر و جاه طلبی ژئوپولیتیکی چین در دریای جنوبی و ماورای آن به ویژه با راه اندازی پروژه راه در تسلط بر مسیرهای دریایی رو به روست بلکه حتی ممکن است در غیاب یک موازنه موثر از جانب ایالات متحده و قدرت های نگران از خیزش چین، به سلطه غیرقابل مهار بر منابع انرژی هند در خلیج فارس و مسیرهای مواصلاتی و قاره ای هند از آسیای مرکزی و قفقاز به سوی اروپا دست یابد.

هند در حال تجربه احساس خفگی ناشی از ظهور چین در مرزهای شمالی است؛ جایی که هنوز منازعات مرزی و کنترل سیاسی بر تبت و آکسای چین پس زمینه غالب در آن منطقه است. با ادامه رشد اقتصادی و نظامی چین، اگر هند مورد حمایت کافی قرار نگیرد، نه تنها در مرزهای شمالی بلکه در حوزه اقیانوسی هم به طور کامل محاصره خواهد شد. مشکل هند به عنوان یک کشور شبه قاره ای این است که در بخش غربی خود تقریباً مسدود است و راهی بی واسطه به سمت آسیای غربی، آسیای مرکزی و حوزه قاره ای ندارد. این جبر جغرافیایی موجب شده که هند در بخش عمده ای از تجارت خارجی (به امریکا و آسیا) به اقیانوس وابسته باشد. وابستگی بیش از اندازه هند به اقتصاد دریایی در حالی که احتمال وقوع یک درگیری نظامی میان چین با امریکا در سال های آینده وجود دارد، می تواند برای هند خطری حیاتی باشد. این ترس در هند موجب شده که اولاً رهبران هند شکلی از موازنه را برای مهار نفوذ رو به افزایش چین در اقیانوس هند و آرام پیگیری کنند. از جمله این تلاش می توان به تقویت روابط میان هند و آسه آن، پیوستن هند به کواد و تقویت سریع قدرت نیروی دریایی نظامی هند اشاره کرد. ثانیاً، این وضعیت، تلاش هند را برای الحاق به اقتصادها و کشورهای قاره ای از دلایل عضویت هند در شانگ های به منظور گشودن دروازه های قاره ای به سمت هند تحریک کرده است. با بازگشت طالبان به افغانستان، هند مجدداً نگران بسته شدن دروازه قاره ای و در جستجو مسیرهایی برای بازگرداندن تعادل به مجاری تنفسی قاره ای و اقیانوسی است. تا زمانی که چین تهدیدی مستقیم و لحنی تهاجمی نسبت به هند در پیش نگیرد، احتمالاً هند ترجیح خواهد داد ضمن اتخاذ اقدامات احتیاطی از جمله در همکاری نظامی با روسیه، کشورهای اروپایی و ایالات متحده، همچنان از مزایای اقتصادی چین بهره بگیرد. برعکس، اگر چین خویشتن داری مشهور خود را کنار بگذارد و دیپلماسی را به عقب براند، هند انگیزه بیشتری برای دمیدن بر ناسیونالیسم هندو در برابر چین و پاکستان پیدا خواهد کرد و ممکن است به زنجیره ای از منازعات محلی تا جنگ های بین کشوری بیانجامد.

مروری بر اقتصاد شبه قاره

در سال ۲۰۲۳ مجموعاً کشورهای شبه قاره، ۵۳۰ میلیارد دلار صادرات در مقابل ۱۹۶ میلیارد دلار واردات را ثبت کردند. ۵ مقصد نخست صادراتی کشورهای شبه قاره ۳۸ درصد از کل ارزش آن را تشکیل می‌دهد. به همین ترتیب، واردات این کشورها از ۵ مقصد نخست وارداتی، ۴۳ درصد از کل ارزش آن را دربرمی‌گیرد.

نمودار ۱. روند ارزش تجارت کالایی شبه قاره هند (میلیارد دلار)



۱۰ کالای عمده صادراتی و وارداتی شبه قاره هند به ترتیب ۶۴ درصد و ۷۶ درصد از کل ارزش صادرات و واردات این شبه قاره را در سال ۲۰۲۳ تشکیل داده است.

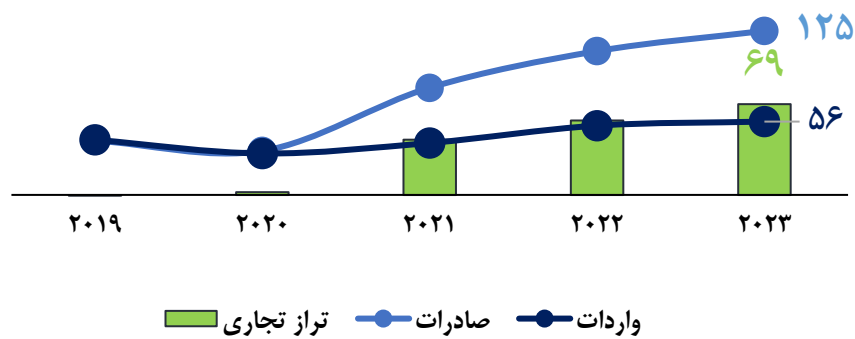
جدول ۱. مهم‌ترین کالاهای صادراتی و وارداتی شبه قاره هند در سال ۲۰۲۳

واردات				صادرات			
ردیف	فصل	شرح فصل	سهم از کل ارزش واردات (میلیارد دلار)	ردیف	فصل	شرح فصل	سهم از کل ارزش صادرات (میلیارد دلار)
۱	۲۷	سوخت‌های معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از تقطیر آنها	۲۵۵.۶	۱	۲۷	سوخت‌های معدنی، روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از تقطیر آنها	۹۰.۳
۲	۶۱	لباس و متفرعات لباس، کشیاف یا قلاب باف	۸۵.۶	۲	۶۱	لباس و متفرعات لباس، کشیاف یا قلاب باف	۳۹.۲
۳	۶۲	لباس و متفرعات لباس، غیرکشیاف یا غیرقلاب باف	۷۳.۷	۳	۶۲	لباس و متفرعات لباس، غیرکشیاف یا غیرقلاب باف	۳۴.۸
۴	۷۱	مروارید طبیعی یا پرورده، سنگ‌های گرانیتها یا نیمه گرانیتها، فلزات دارای روکش یا پوشش از فلزات گرانیتها و اشیاء ساخته شده از این مواد؛ زیورآلات بدلی، سکه	۶۷.۱	۴	۷۱	مروارید طبیعی یا پرورده، سنگ‌های گرانیتها یا نیمه گرانیتها، فلزات دارای روکش یا پوشش از فلزات گرانیتها و اشیاء ساخته شده از این مواد؛ زیورآلات بدلی، سکه	۳۳.۹
۵	۸۵	ماشین آلات و دستگاه‌های برقی و اجزا و قطعات آنها و ...	۳۱.۳	۵	۸۵	ماشین آلات و دستگاه‌های برقی و اجزا و قطعات آنها و ...	۳۲.۹
۶	۸۴	راکتورهای هسته ای، دیگ های بخار آب گرم، ماشین آلات و وسایل مکانیکی، اجزا و قطعات آنها	۲۸.۱	۶	۸۴	راکتورهای هسته ای، دیگ های بخار آب گرم، ماشین آلات و وسایل مکانیکی، اجزا و قطعات آنها	۲۹.۹
۷	۳۰	محصولات دارویی	۲۶.۷	۷	۳۰	محصولات دارویی	۲۱.۸
۸	۸۷	وسایل نقلیه زمینی غیر از نواقل روی خط راه آهن یا تراموای، و ...	۲۲.۲	۸	۸۷	وسایل نقلیه زمینی غیر از نواقل روی خط راه آهن یا تراموای، و ...	۲۱.۱
۹	۲۹	محصولات شیمیایی آلی	۱۴.۶	۹	۲۹	محصولات شیمیایی آلی	۱۹.۴
۱۰	۱۰	غلات	۱۲.۲	۱۰	۱۰	غلات	۱۴.۵
		مجموع	۶۱۷.۰			مجموع	۳۳۷.۸



تا آنجاییکه به رقبای تجاری ایران مربوط می شود، صادرات ۱۲۵ میلیارد دلاری کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به شبه قاره هند در مقابل واردات ۵۶ میلیارد دلاری از آن که منجر به تراز مثبت ۶۹ میلیارد دلار به نفع شورای همکاری شده، عمق پیوندهای تجاری میان این دو را آشکار می کند. در این بین، سهم هند ۸۸ درصد از کل ارزش تجارت کشورهای شورای همکاری با شبه قاره است.

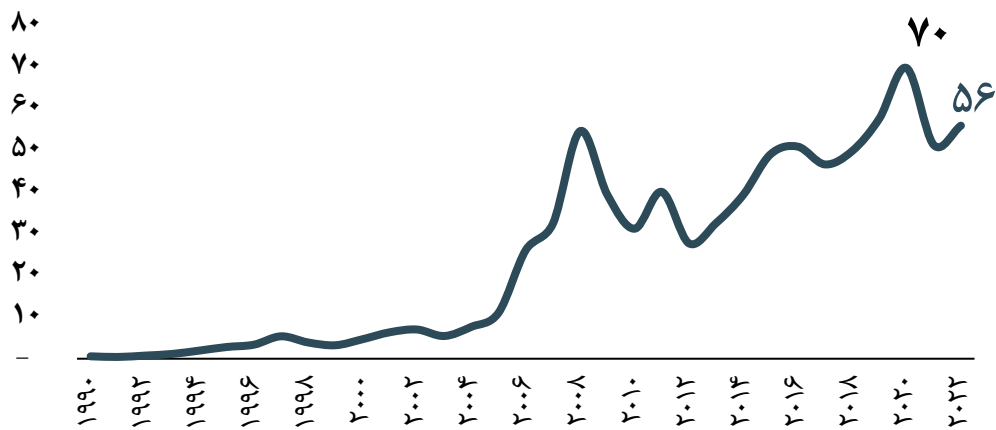
نمودار ۲. وضعیت تجارت کشورهای GCC با شبه قاره هند
 (میلیارد دلار)



منبع: ITC

جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی شورای همکاری در شبه قاره هند طی سه دهه گذشته روند رو به رشدی را نشان می دهد. ارزش سرمایه گذاری این گروه کشورها در سال ۲۰۲۲ با افزایش ۹ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۱ به ۵۶ میلیارد دلار رسید.

نمودار ۳. مجموع جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی
 در کشورهای شبه قاره هند (میلیارد دلار)

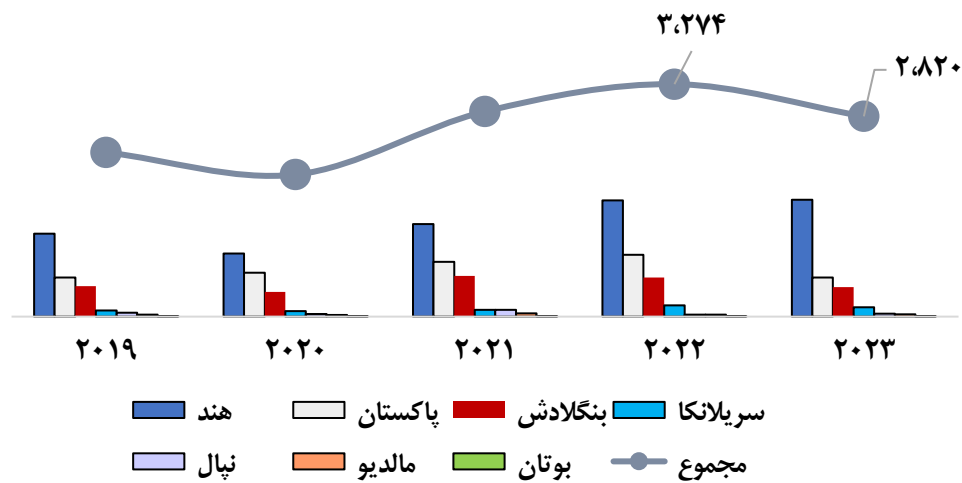


منبع: آنکتاد^{۱۰}

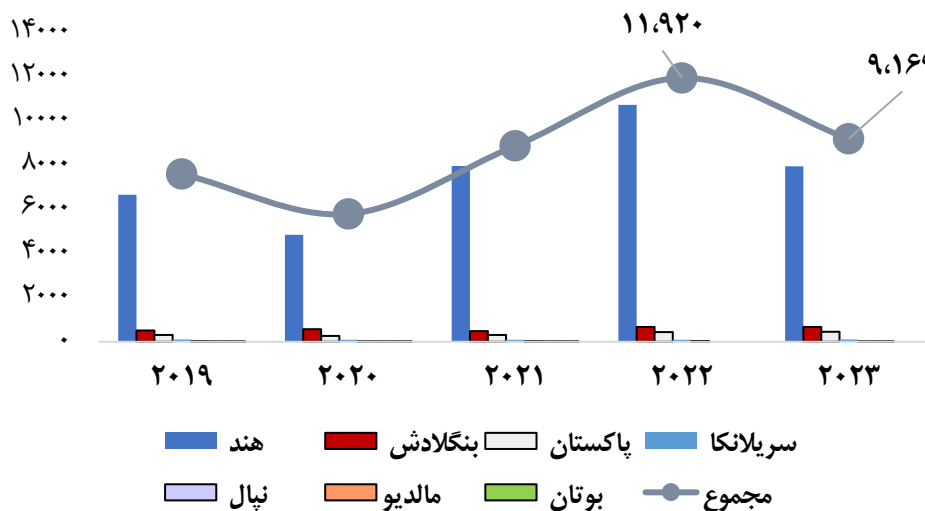


ارزش تجارت ترکیه، رقیب تجاری دیگر ایران، با کشورهای شبه قاره هند در سال ۲۰۲۳، حدود ۱۲ میلیارد دلار بوده که کاهش ۲۰ درصدی را در مقایسه با سال ۲۰۲۲ تجربه کرده است. تراز تجاری ترکیه با کشورهای شبه قاره هند طی سال های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ همواره به نفع کشورهای این شبه قاره مثبت بوده است. به عنوان مثال، در سال ۲۰۲۳ ترکیه با صادراتی به ارزش ۲.۸ میلیارد دلار در مقابل وارداتی به ارزش ۹.۲ میلیارد دلار تراز منفی ۶ میلیارد دلاری را با کشورهای شبه قاره هند تجربه کرده است.

نمودار ۴. صادرات ترکیه به شبه قاره هند (میلیون دلار)



نمودار ۵. واردات ترکیه از شبه قاره هند (میلیون دلار)



منبع: ITC



اهمیت متقابل ایران و هند

پیوندهای تاریخی ایران و هند، احساسات مشترکی مملو از دوستی و اشتراکات فرهنگی را برمی انگیزد. بیرون از شبه قاره، ایران نزدیکترین دوست تاریخی هند شمرده می شود. به علاوه، از دیدگاه دهلی نو، ایران در نقطه اتصال خلیج فارس به آسیای مرکزی، واجد ارزشی استراتژیک برای سیاست قاره‌ای هند است. همسایگی ایران با افغانستان همواره به منزله وزنه‌ای موازنه‌دهنده نه تنها در برابر نفوذ پاکستان بلکه هدایت افغانستان به سوی دریاهای آزاد دیده شده است. ایران هم در خلیج فارس و هم در تنگه باب المندب از امتیاز منحصر به فردی برخوردار است. با این وجود، هند به دلیل وابستگی به بازار کار، انرژی و سرمایه‌گذاری کشورهای عرب خلیج فارس، تمایلی برای ورود به رقابت‌های منطقه‌ای ایران و این کشورها نشان نداده است. یکی از بدترین سیاست‌ها، مجبور کردن هند برای انتخاب بین ایران و کشورهای عرب خلیج فارس است. هند برای موازنه کردن چین در ایجاد حوزه‌های نفوذ به رابطه‌ای صمیمانه با شورای همکاری خلیج فارس، ایران و ترکیه نیاز دارد. در بزنگاه‌هایی که رقابت‌های منطقه‌ای در غرب آسیا شعله ور می شود، هند روزهای سختی را تجربه می کند. منازعات ایران و اسرائیل نیز برای هند وضعیتی نامطلوب محسوب می شود. هند شریکی پایدار برای تسلیحات و تکنولوژی اسرائیل است و انتخاب میان ایران و اسرائیل، آخرین چیزی است که رهبران هند خواستار آنند. تنش‌های ایران و ایالات متحده نیز برای هند دردسرساز بوده است. دهلی نو از حامیان پرحرارت توافق برجام در سال ۲۰۱۵ بود. این توافق با گشودن افق مصالحه و کاهش تنش میان ایران و غرب نه تنها می‌توانست برای هند نوید بخش دورانی آسوده‌تر در مجاورت مهمترین منابع انرژی آن باشد بلکه سرانجام تحقق کریدور شمال- جنوب در کاستن از فشار محدودیت‌های جغرافیایی بر هند را آسان می‌کرد. از این‌ها گذشته، نزدیک شدن ایران به چین متعاقب افزایش اختلافات ایران و ایالات متحده، هند را نسبت به افزایش نفوذ غیرطبیعی چین در آسیای مرکزی، آسیای غربی و خلیج فارس نگران می‌کند.

بطور متقابل، بسیاری از ایرانیان برای پیدا کردن احساس عمیق دوستی با هند نیازی به کنکاش درون خود ندارند. هند بالقوه می‌تواند بازار بزرگی برای کالاهای ایرانی باشد؛ هرچند روابط نزدیک هند و ایالات متحده که از نیاز دهلی نو به حمایت‌های سیاسی و نظامی واشنگتن در برابر خطر بزرگ یعنی چین نشأت می‌گیرد، مانعی بر سر راه مناسبات پایدار اقتصادی است. با کنار گذاشتن سایر عوامل مداخله‌گر، هند شریکی برای ایران به منظور مهار نفوذ چین نه تنها در خلیج فارس، افغانستان و پاکستان بلکه در آسیای مرکزی و قفقاز نیز هست. عضویت هند در سازمان همکاری شانگ‌های، در خارج کردن این سازمان از زیر سایه سنگین چین یاری رسانده است. در



صورتی که ایران استراتژی کامل تری در برابر هند دنبال می کند می تواند از مناسبات نزدیک هند و ایالات متحده برای اثر گذاشتن بر سیاست های واشنگتن نیز استفاده کند.

ملاحظات ژئوپولیتیکی برای سیاستگذاری

- رقابت های اقتصادی قرن بیست و یکم، در آسیای پاسیفیک قرار گرفته و تسلط بر اقیانوس هند، جایزه این رقابت میان چین و ایالات متحده است. در این بازی بزرگ دریایی، هند ناگزیر از ایستادن در کنار ایالات متحده است و از مواهب برتری غایی ایالات متحده در حفظ استقلال، حوزه نفوذ و برتری در اقیانوس هند منتفع خواهد شد.
- ایران همزمان بازیگری متوسط اما کلیدی در حاشیه اقیانوس هند به حساب می آید که به دو ورودی باب المندب و تنگه هرمز از میان هفت ورودی این اقیانوس دسترسی دارد.
- چین و ایالات متحده در این رقابت سرنوشت ساز برای قرن حاضر، بی وقفه در حال جستجوی متحدینی در حاشیه اقیانوس هند هستند. در سایه ذکاوت ژئوپولیتیکی است که کشورهایی مانند ویتنام، فیلیپین، مالزی و اندونزی و کمی دورتر، هند، ترکیه و عربستان سعودی با ایستادن در ناحیه خاکستری میان این دو ابرقدرت، امنیت، ثروت و موازنه ای را نظارت و تقویت می کنند که برای حفظ صلح ضروری است.
- هرچند هند برای رقابت و توازن با چین به ایالات متحده و البته شرکای کوچکتر مانند ژاپن، استرالیا و بریتانیا وابسته است اما همزمان در حال هدایت رقابت هوشمندانه با چین در بسط حوزه های نفوذ فراتر از شبه قاره از خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز است؛ رقابتی که برای ایران پنجره فرصتی طلایی می گشاید.
- گذشته از آسیای مرکزی که هند نقش آفرینی آشناتری برعهده دارد، در قفقاز جنوبی رقابتی توأمان با ترکیه و چین را مدیریت می کند. رابطه دوستانه میان هند و ارمنستان هم به لحاظ تاریخی و هم در حوزه های تجاری؛ جایی که تجارت تراشه الماس آن به شهرت رسیده، در برابر روابط دوستانه پاکستان با جمهوری آذربایجان قرار گرفته است. موازنه و ثبات در قفقاز جنوبی همچنین برای ایران اهمیت دارد و این یکی از دلایلی است که ایران می تواند در تثبیت جای پای هند در این منطقه منفعی را جستجو کند.
- همین وضعیت در آسیای مرکزی نیز تکرار می شود. منابع اصلی اورانیوم هند از منطقه ازبکستان تامین می شود؛ همانطور که به تامین انرژی از ترکمنستان امیدوار است. از همه این موارد مهم تر، رابطه روسیه



با هند است. رابطه روسیه با هند رابطه سنتی، قدیمی و بسیار عمیق است. عمده سلاح‌های نظامی هند از روسیه تامین می‌شود. عمده زیردریایی‌های هند، صنایع روسی هستند. صنایع اتمی هند نیز عمدتاً صنایع روسی است تا جاییکه برای ایالات متحده به عرصه رقابت ناپذیر تبدیل شده است.

- هرچند که انگیزه اولیه هندی‌ها برای چابهار کار با افغانستان بود اما این ناحیه یکی از مهم‌ترین نقاط اتصال به آسیای مرکزی، افغانستان، قفقاز و روسیه است. با توجه به حجم وسیع صادرات و واردات هند از مسیر چابهار، پتانسیل بالایی در این بندر وجود دارد که در کارکرد ثانوی خود می‌تواند پایگاهی فعال برای هند به هدف جمع‌آوری اطلاعات و راه‌اندازی پروژه‌های آتی باشد. استفاده از چابهار برای توسعه حوزه مکران و ایران خاوری، ضروری است. همچنان ضروری است تکمیل خط راه آهن چابهار- زاهدان باید در اولویت قرار گیرد. تکمیل این شبکه راه آهن و اتصال آن به شبکه آسیای مرکزی و حتی به افغانستان بسیار حائز اهمیت است.

توصیه‌های سیاستی به دولت

- ایران برای کشورهای مانند هند و چین مزیت‌های متعددی دارد که از جمله آن‌ها می‌توانیم به مزیت انرژی، حمل و نقل و سرمایه‌گذاری اشاره کرد. در رابطه با انرژی، ایران در حال واگذاری جایگاه خود به رقابت. ۶۵ درصد از واردات نفت هند از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است. در ۲۰۳۰ هند در روز ۲۰ میلیون بشکه نفت وارد خواهد کرد. برآوردها نشان می‌دهد شورای همکاری خلیج فارس ۹۲ درصد آن را تشکیل خواهند داد. دولت ایران باید راهی برای ترجمه این مزیت‌ها به سیاست‌های عملی که مقوم مناسبات سیاسی و اقتصادی باشد پیدا کند و آغاز این راه، اولویت دادن به هند در لیست کشورهای شریک و دوست است.

- در ارتباط با کریدورها، عملاً کریدور هند، خاورمیانه، اروپا راه‌اندازی شده و در جنگ غزه مورد استفاده قرار گرفته است. به غیر از هند، عربستان، امارات و اردن، کشورهای امریکا، ایتالیا، آلمان و فرانسه هم این کریدور را امضا کردند. این کریدور با خواسته‌های ملی تک تک کشورهایایی که کریدور از آن‌ها عبور می‌کند، هماهنگ است. بخش ضعیف‌تر این کریدور یعنی راه آهن بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، به طور جدی در حال توسعه است. بعید است تا وقتی استعداد بی ثباتی‌های ناشی از احتمال وقوع منازعات نظامی در میان باشد، هند برای اتصال به آسیای مرکزی بر زیرساخت‌های ایران تکیه کند.



بنابراین، بازگرداندن اعتماد هند به ثبات استراتژیک ایران، یکی از الزامات مشارکت لجستیکی ایران و هند در پروژه های موصلاتی است.

- اولویت دهی به موضوع توسعه بندر چابهار اعم از جهت گیری مکران یا جهت گیری شرق در همکاری ایران با هند و تعریف مشارکت خارجی به شکل منطقی ضروری است. ارائه پیشنهاد جذاب تر مانند اجاره درازمدت برخی بنادر ساحلی در دریای عمان و خلیج فارس، بازی های استراتژیک را متاثر خواهد کرد.
- دولت ایران می تواند به جای شراکت یک جانبه و تک گزینه ای با چین و روسیه، دامنه انتخاب های خود را با توجه به هراس ها و رقابت های میان قدرت های بزرگ از جمله هند گسترش دهد. نفوذ اقتصادی و سیاسی چین در غرب آسیا، آسیای مرکزی و خلیج فارس شاید تاکنون تهدیدآمیز نبوده و فرصت هایی برای ایران آفریده باشد اما در دیدی متفاوت و با لحاظ سناریوهای بلندمدت، یک چین موازنه نشده می تواند واجد خطراتی برای آینده نفوذ و نقش آفرینی ایران در سلسله مراتب قدرت جهانی و مقدم بر آن در منطقه پیرامون خود باشد. هند به سبب پتانسیل های قدرتی خود می تواند یکی از شرکایی باشد که به ایران برای متعادل کردن نفوذ رو به رشد چین در این مناطق کمک می کند. استفاده از این کنشگری، مستلزم بازاندیشی روابط ایران و هند در یک چشم انداز وسیع تر است.
- در بعد تجاری، هماهنگ سازی سه معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت خارجه، سازمان توسعه تجارت و سازمان سرمایه گذاری خارجی توسط ستاد هماهنگی اقتصادی وزارت امور خارجه که یکی از دیرپاترین ساختارهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران می تواند گامی موثر برای هدفمند کردن تجارت با هند و طراحی یک استراتژی تجاری مفید باشد.
- مساعدت ایران برای گشودن پای هند به افغانستان با توجه به ظرفیت های موجود در جنوب شرق افغانستان و مرز مشترک ایران با این کشور از جمله سرمایه گذاری هند در حوزه معدن و اتصال قندهار از طریق زاهدان به چابهار می تواند برای تشویق هند به ارزش گذاری مجدد ایران در نقشه استراتژیک این کشور تاثیرگذار باشد.
- در برنامه ریزی سیاسی قرار دادن هند به عنوان کشور همسایه و رفتار با آن به مثابه سایر همسایگان سرزمینی از منطق اقتصادی و ژئوپولیتیکی قابل دفاعی برخوردار است.
- ایران باید آنجاییکه شبه قاره در میان است، سیاستی جامع برای شبه قاره تعقیب کند؛ نه فقط سیاستی جداگانه برای کشورهای این منطقه. یک سیاست شبه قاره ای از نگرشی فراگیر و جزئی نگر نسبت به



بازی قدرتی چین و هند و نقشی که این منطقه از جهان در تعیین موازنه های جهانی ایفا می کند، ریشه می گیرد.

توصیه های سیاستی به بخش خصوصی

- اتاق بازرگانی می تواند منادی متقاعد کردن دولت در تسریع انعقاد موافقت نامه تجارت ترجیحی با هند همینطور اولویت دهی دولت به تسهیل و اصلاح فرایندهای گمرکات ایران باشد. فعالین اقتصادی عضو اتاق بازرگانی تهران (به جز حصولتی ها)، طی ده ماهه نخست سال قبل، بر اساس آمار گمرک، ۱۲ هزار میلیارد دلار صادرات داشته اند. افزایش صادرات به هند می تواند فرصتی را برای جبران کسری تجاری از طریق فراهم آوردن زمینه توسعه تجارت بخش خصوصی ایجاد کند و تنظیم موافقتنامه تجارت ترجیحی در تسهیل این هدف تعیین کننده است.
- مشارکت عمومی - خصوصی با همکاری طرف هندی و بخش خصوصی ایران می تواند اشکال تازه و مبتکرانه ای به خود بگیرد. در صورت اعطای مجوزهای لازم، بخش خصوصی به جای دولت در بخش سرمایه گذاری و با مشارکت تکنولوژی هندی قادر است گامی بلندتر برای توسعه کریدور شمال- جنوب بردارد.
- در راه بهبود سازوکارهای مذاکراتی، تقویت سه نهاد اتاق مشترک هند و ایران، گروه دوستی هند و ایران و گروه پارلمانی هند و ایران، به ارتقای مناسبات در سطوحی غیر از آنچه میان دولت ها بطور مرسوم رخ می دهد، یاری خواهد رساند.
- تشکیل ساختارها و نهادهای حمایت از تجارت توسط اتاق بازرگانی؛ به عنوان مثال ایجاد ساختار حقوقی برای مشاوره به تجار با هزینه بسیار پایین، ممکن است تاثیر چشمگیری بر بهبود مناسبات و کاهش عدم قطعیت ها در روابط دوجانبه با هند برجای بگذارد.
- فرصت همکاری با هند به دلیل موقعیت جغرافیایی ایران همیشه زنده خواهد ماند، اما آنچه اهمیت دارد چگونگی فعال سازی بخش خصوصی در این مسیر است. به جای تمرکز در لغو تحریم ها، ورود به مذاکرات موردی با هندی، فرصت های طلایی قابل توجهی برای چابهار، مکران و شرق با توجه به حوزه نفوذ هند در آسیای میانه، قفقاز، روسیه و افغانستان وجود خواهد داشت.